

عصر عاشورا معصومه مینی

تابلوی عصر عاشورا جزء آن دسته از تابلوهای به شمار می رود که موضوعی تاریخی در آن به نمایش در آمده و تنها بیان کننده احساسات نقاش از موضوع موردنظر نیست بلکه بر اساس اعتقاد و ایمانی است که تکیه بر باورها ی درونی ایشان دارد در هنر آبستره ومدرن و همچنین در تصاویری با صور اسلیمی که در نقاشی های اسلامی-ایرانی وجود دارد نقاش موضوع را با توسل به نقطه، سطح و خط به گونه ای به تصویر کشیده که تماشاگر نیز همان استنباط را داشته باشد. از نمونه های دیگر این نوع نقاشی می توان به تصویرسازی در شاهنامه، نقاشی قهوه خانه ای، تمثال مبارک اولیاء و اوصیاء اشاره کرد.

همچنین نقاشی و مینیاتور چینی، نقطه تلاقی این دو نوع تفکر است در یونان نیز نوع تصویرسازی یونان بر روی چهره بودا در جنوب آسیا تأثیر گذاشته است نقاشی موضوعی اصولی دارد که چنانچه کسی بخواهد از آن استفاده کند مجبور به رعایت آن اصول است در حالی که نقاش غیر موضوعی می تواند موضوعی را تصویر کند که از خود اثر نقاشی، این موضوع استنباط نمی شود و فقط قادر به بیان حسی است با این توضیح اگر بپذیریم تابلوی عصر عاشورا اثری موضوعی است و پایبند به اصولی می باشد باید دید موضوع آن چیست و اصولش کدامند از نام تابلو بر می آید که عصر عاشورا نقطه عطف واقعه عاشورا است واقعه عاشورا عملاً در یک روز اتفاق افتاده است یعنی از تاسوعا در شب شروع می شود صبح روز بعد جنگ است و تا ظهر به پایان می رسد. البته ریشه های تاریخی این واقعه از مدتها قبل بوده و تأثیری که ظهر عاشورا بر جای می گذارد تا اکنون نیز وجود دارد عصر عاشورا در واقع نقطه عطف آن است و نتیجه و برآیند تمام وقایع گذشته بوده است و ریشه و منشاء تمامی وقایع بعد از خودش نیز به حساب می آید ظهر عاشورا لحظه ای است که سید الشهداء راسر می برند و ساعاتی بعد عزا و سوگواری توسط زنان اهل بیت آغاز می شود در ظاهر، ظلم و کفر پیروز می گردد ولی در باطن همان لحظه ای است که اسلام پایدار می ماند همانگونه که در احادیث نیز آمده امام حسین (ع) هدف خود را از این مبارزه پایداری اسلام می داند یعنی شهادت برای پایداری. در این واقعه همانطور که در تابلوی عصر عاشورا و در روایات بیان شده ذوالجناح، اسب سفید امام در حالی که تیرهای در بدن دارد و بدون سوار به نزد کسانی که در چادرها و خیمه ها مانده بودند باز می گردد. باز گشت ذوالجناح در این حالت نمایانگر شکست برای اهل بیت امام بوده و آنها با دیدن این صحنه در می یابند که جنگ به پایان رسیده است. حال کسی که می خواهد این موضوع تاریخی را بیان کند باید به دو اصل معتقد باشد ابتدا باید عناصر تاریخی در خود تابلو وجود داشته باشد و به عبارت دیگر، ظاهر تابلو به بیان قصه بپردازد نمی توان تابلوی عصر عاشورا را تصویر کرد ولی از ذوالجناح بیک شهادت یادی نکرد.

اسب شاهوار و بی سوار و خونین که داستان مرگ صاحبش را آورده است نمی توان حضرت زینب (س) که رسالت شهادت را بیان می کند نشان نداد نمی شود این لحظه را نقاشی کرد و از آفتاب گرفتگی از زخمها و اینکه بسیاری از کودکان خیمه گاهها، امید و سرورشان را از دست داده اند یاد نکرد می گویند آفتاب گرفتگی-هوای ابری و ایجاد گردو غبار از اتفاقات اثر عاشورا بوده است تمامی این موارد دال بر این است که ظاهراً "خود قضیه عصر عاشورا درهاله ای از ابهام فرو می رود پس باطناً" نیز باید چنین باشد ابهام در این است که آیا با شهادت امام حسین اسلام به پایان می رسد البته رهروان جواب می گیرند که از این لحظه خاص دوباره زاده می شود اما مهمترین بخش تابلو که ظاهراً "دیده نمی شود استفاده از رنگ سفید به عنوان نمادی از مرگ در فرهنگ استوره ای ایرانی سابقه ای بس طولانی دارد در تابلوی عصر عاشورا فرشچیان تضاد وجود دارد یعنی می بینیم که لحظه ای است که هم شکست را نشان می دهد و هم پیروزی در اینجا اگر بخواهیم رمز را تعریف کنیم باید گفت رمز چیزی است که در تعریف خودش تضاد خودش نیز هست عصر عاشورا رمز عاشورا است در ظاهر شکست ولی در باطن پیروزی وجود دارد این تضاد به وحدانیتی می رسد که تجلی آن در شیعه است کسانی که می خواهند راه درست اسلام را در پیش بگیرند با واقعه عاشورا می توانند به وحدانیت برسند.

این اثر یکی از معروفترین آثار استاد محمود فرشچیان است که در سال ۱۳۵۵ به تصویر کشیده شده براستی انگیزه استاد از خلق چنین اثری ماندگار چه بوده !!!

مادر فرا خواندش به شرکت در مراسم محرم استاد همراه مادر راهی نشد ولی زمان آمدن مادر به خانه عاشورایی را خلق کرد جاودانه و همیشگی ورو به چشمان بهت زده مادر گفت: عاشورای من ایچاست و براستیکه تمام عظمت عاشورا با تمام دردها و ریشه های پیام آورش در صفحه ای که

دستان پرتوان استاد آن را لمس نمود خلق شد چهره ها همه پوشیده از غبار محنت و اندوه است ، در عجبیم که چگونه با پوشیده بودن همه چشمها تمام این اندوه به مخاطب منتقل می شود ، مگر نه اینکه چشمها مرکز دنیای درونی و حسی انسانهاست ، پس چگونه در تصویری که همه چشمها در پشت پوشش دست یا چادر پنهان است چنین غم جانکاهی منتقل می شود شاید اگر چنین معجزه آسا و حقیقی نبود اینچنین جاودانه و ماندگار نمی ماند خلق چنین اثر زنده ای دور از توان هر نقاش چیره دستی است چه بسا سالها و سالها در روزهای محرم کنار هر تکیه و هیأت داغداری تصویر ظهر عاشورا ایستاده و سر بلند قصه عظمت و بزرگی واقعه کربلا را برای همه عاشقان حسین و اهل بیت نقل می کند و همه دوستداران حسین با تصویر عصر عاشورای استاد فرشچیان انیس و مونسند حتی اگر نام خالق اثر را ندانند به عظمت واقعه کربلا در این تصویر صحنه می گذارند. و شایان ذکر است که از مهمترین کسی که اصل و منشاء این جنبش خدایی و عظیم و در عین حال بیانگر حضور اندیشه شهادت طلبی و روحیه ایثارمیباشد تصویری ترسیم نشده است.

و برآستی که این اثر بیشتر از آنچه که می نمایاند حرف برای گفتن دارد

یاد بیداری که در تاریخ بر حرمت انسان رفته است انگیزه تداوم استوره های ایمان و شرافت در وجدان آدمی است.

